

مروری بر روش های حمایتی بخش کشاورزی

پیمان دوامی^۱، فرزاد پور رمضان^۲

۱- دانش آموخته دکتری زراعت.

۲- مشاور مدیرعامل و مدیر هماهنگی امور استانها شرکت خدمات حمایتی کشاورزی.

چکیده

دسترسی آسان و سریع به منابع مالی، یکی از الزامات و پیش نیازهای سرمایه گذاری و توسعه بخش کشاورزی است ولی به سبب ویژگیهای منحصر به فرد بخش کشاورزی، توسعه نیافتگی بازارهای مالی کشاورزی و وجود تنگناهایی در زمینه تأمین منابع مالی مورد نیاز، این بخش را با محدودیت شدید سرمایه گذاری مواجه ساخته است. از این رو انتظار می رود که تسهیلات اعتباری مؤسسات رسمی، وسیله مناسبی برای روند انتقال و تسریع در امر توسعه و عوامل تولید کشاورزی از جمله مدیریت، نیروی کار و زمین شده است. این امر علاوه بر پوشش هزینه نهاده های تولید و ایجاد بازده مناسب برای سرمایه گذاری ها، مازاد عرضه داخلی و توسعه صادرات محصولات کشاورزی را به همراه داشته است.

کلمات کلیدی: تسهیلات اعتباری، نهاده های تولید.

An overview of support methods in the agricultural sector

Abstract

Easy and fast access to financial resources is one of the requirements and prerequisites for the investment and development of the agricultural sector. However, due to the unique characteristics of the agricultural sector, the underdevelopment of agricultural financial markets, and the existence of bottlenecks in providing the required financial resources, this sector has faced severe investment constraints. Therefore, it is expected that the credit facilities of formal institutions have become a suitable tool for the process of transfer and acceleration of development and factors of agricultural production, including management, labor, and land. In addition to covering the cost of production inputs and creating a good return on investment, this has led to a surplus of domestic supply and the development of exports of agricultural products.

Keywords: credit facilities, production inputs.

مقدمه

حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای مختلف دنیا با استفاده از سیاست‌ها و ابزارهای گوناگون و عمدتاً برای رسیدن به اهدافی از قبیل تقویت قابلیت سوددهی اقتصادی بخش کشاورزی و به طور کلی تر مناطق روستایی، افزایش تولید مواد غذایی کافی و مغذی برای برطرف کردن نیازهای جمعیت جهانی رو به رشد با رفاه اقتصادی بیشتر و بهبود پایداری محیط زیست انجام می‌شود. مقایسه سطوح حمایت در بخش کشاورزی کشورهای مختلف دنیا نشان می‌دهد با وجود تفاوت‌هایی از نظر نوع و گستردگی سیاست‌های اعمال شده، اغلب کشورها سطح بالایی از حمایت را اعمال می‌نمایند. سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی ایران را نیز می‌توان در سه قالب کلی معرفی نمود. گروه اول شامل معافیت‌ها و امتیازات قانونی است که می‌توان از معافیت‌های مالیاتی، موانع و تعرفه‌های وارداتی، نرخ‌های ترجیحی برای اعتبارات بانکی، آب و سوخت و سایر امتیازات نام برد. گروه دوم یارانه‌هایی است که بصورت آشکار و تحت همین عنوان از محل بودجه عمومی دولت پرداخت می‌گردد و شامل دو بخش اصلی یارانه‌های مصرفی و یارانه‌های تولیدی است. یارانه‌های مصرفی برای فراهم نمودن امکان مصرف کالاهای اساسی از قبیل گندم، روغن نباتی، قند و شکر، محصولات لبنی و غیره پرداخت می‌شود. بخش اعظم یارانه‌های تولیدی نیز مربوط به یارانه‌های تولید شامل کود، سم، بذر و علوفه است. بخش دیگر این یارانه‌ها نیز شامل خرید تضمینی محصولات، قیمت تضمینی، کمک‌های بلاعوض، جبران خسارات ناشی از حوادث طبیعی (از قبیل خشکسالی) و بیمه محصولات کشاورزی است. در چند سال اخیر پرداخت یارانه به کالاهای صادراتی نیز به طور منظم آغاز شده است. گروه سوم سیاست‌های حمایتی که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان خدمات عمومی بخش کشاورزی معرفی نمود، پرداخت‌های بودجه‌ای است که به منظور توسعه زیرساخت‌های کشاورزی، تحقیقات و ترویج، حفاظت از محیط زیست و سایر فعالیت‌های عمرانی بخش کشاورزی پرداخت می‌گردد.

روش‌های حمایتی در بخش کشاورزی

اگرچه دخالت دولت‌ها در بازار محصولات کشاورزی، به شکل‌های متفاوتی صورت می‌گیرد، اما به هر حال به نحوی بر بازارهای داخلی و خارجی تأثیر می‌گذارند. در مجموع می‌توان ابزارها و سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی را به دو دسته قیمتی و غیرقیمتی تقسیم کرد. مجموع سیاست‌ها و ابزارهای سیاستی قیمتی و غیرقیمتی منجر به حمایت از درآمد تولیدکننده بخش کشاورزی می‌گردد.

۱-۱ - سیاست های حمایتی غیر قیمتی

در سیاست های غیر قیمتی، متغیر های هدف شامل درآمد، میزان تولید، میزان مصرف نهاده و یا عواملی است که بطور غیر مستقیم بر روی قیمت دریافتی توسط تولیدکننده برای محصول و یا قیمت پرداختی برای نهاده تأثیر می گذارد. انواع سیاست های حمایتی غیر قیمتی را می توان این گونه برشمرد:

الف - اقدامات و محدودیت های تعرفه ای بر روی واردات

سیاست های حمایتی غیر قیمتی بسیار گسترده هستند. از مهم ترین سیاست های غیر قیمتی، اقدامات مرزی یا وضع تعرفه ها بر روی واردات کالاهای مشابه داخلی است. اگرچه براساس قوانین سازمان تجارت جهانی، کشورها موظف به کاهش محدودیت های تعرفه ای خود هستند، اما با این حال، کشورهایی مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، هر ساله به دلیل حمایت های گسترده از بخش کشاورزی خود، از سوی سازمان تجارت جهانی، مورد تذکر قرار می گیرند. این موضوع نشان دهنده، میزان حمایت کشور های مذکور از تولید کنندگان بخش کشاورزی است.

ب - حمایت از زیرساخت های بازار و بازاریابی

حمایت از زیرساخت های بازار و بازاریابی از سیاست های حمایتی غیر قیمتی مهم دیگری است که می توان به آن اشاره کرد. حمایت های بازاریابی، تنها یافتن بازار برای تولیدکننده نیست، بلکه از مهم ترین بخش های این سیاست، ایجاد و اصلاح زیرساخت های بازار است. این زیرساخت ها شامل جاده ها، وسایل حمل و نقل، صنایع تبدیلی و تکمیلی و مواردی از این دست می باشد. این سیاست، به ویژه در کشور های توسعه یافته و حتی کشور های در حال توسعه نیز در کنار سیاست های قیمتی مورد استفاده قرار می گیرد. در این کشور ها حمایت های بازاریابی بسیار گسترده است، به طوری که جهت تشویق تولیدکنندگان و توانمندسازی آن ها برای حضور در بازار های جهانی، حتی اقدام به برگزاری جشنواره های بازاریابی می کنند. از موارد دیگری که در مجموعه ی حمایت های بازاریابی قرار می گیرند، می توان به مواردی چون سلامت غذایی، کیفیت محصولات تولیدی و غیره اشاره کرد. سیاست های بازاریابی محصولات نیز در زیر مجموعه سیاست های حمایتی غیر قیمتی قرار دارد که اصطلاحاً به آن ها زیرساخت های بازار نیز گفته می شود. دولت ها موظف به ایجاد زیرساخت های لازم برای بازار محصولات کشاورزی هستند. آن ها مسئولیت دارند حداقل زمینه های لازم را برای انجام این فعالیت ها ایجاد کنند.

ج- حمایت از تغییرات الگوی کشت

نوع دیگری از سیاست های حمایتی غیرقیمتی، حمایت از تغییرات الگوی کشت است. به عنوان مثال در مقطعی، تب تولید گوجه فرنگی گلخانه ای، کشور را فرا می گیرد؛ در نتیجه تمام تولیدکنندگان به دنبال تولید گوجه فرنگی می روند و یا می توان به تب تولید سیب زمینی اشاره کرد، به طوری که تمام مناطق مستعد برای کشت سیب زمینی شروع به تولید آن می کنند، الگوی کشت مناسبی را براساس مزیت های نسبی هر منطقه ایجاد کند. برای این منظور باید مشخص شود چه محصولی برای کدام منطقه مناسب است و چه نوع نظام بهره برداری منجر به افزایش تولید می شود. چنین مسئله ای در تمام بخش های زراعت، شیلات، باغبانی و غیره وجود دارد.

د- حمایت از شکل های تولیدی و نظام های بهره برداری

در برخی از کشور ها، اجرای سیاست های حمایتی، حمایت بازاریابی یافتن بازار برای تولیدکننده سلامت غذایی و کیفیت محصولات تولیدی اصلاح زیرساخت های بازار جاده ها وسایل حمل و نقل صنایع تبدیلی و تکمیلی متناسب را در زمینه حمایت از تولیدکنندگان طراحی کند. به همین دلیل است که گفته می شود وکیل تولیدکنندگان اتحادیه های آن ها هستند. قدرت این اتحادیه ها در برخی از کشور ها به اندازه ای زیاد است تا حدی که نمایندگان این اتحادیه ها حتی در جلسات سیاست گذاری مربوط به تولیدکنندگان نیز شرکت می کنند. تشکیل این شکل ها خود نیازمند فرهنگ سازی است. این اقدام بر عهده بخش ترویج و آموزش است و خود مقوله ی ترویج نیز از جمله سیاست های حمایتی غیرقیمتی است.

ه- راه اندازی بیمه درآمد کشاورزان

در این روش دولت به کشاورزان بیمه درآمد اعطا می کند تا بر اساس آن، در صورتی که به دلیل کاهش قیمت ها یا بلایای طبیعی درآمد کاهش یافت بیمه، جبران خسارت نماید. این سیاست یکی از کارآمدترین سیاست ها در حوزه حمایت از درآمد کشاورزان می باشد زیرا بدون هیچ دخالتی در مکانیسم بازار درآمد کشاورزان را تضمین مینماید.

و- حمایت از تحقیقات و ترویج

شاید مهم ترین ایده حمایتی غیرقیمتی، که می تواند بیشترین تأثیرگذاری بر روتولید کنندگان بخش کشاورزی داشته باشد، سیاست حمایتی تحقیقات کشاورزی است؛ این در حالی است که در اکثر کشورهای در حال توسعه، به موضوع تحقیقات توجه زیادی نمی شود. به طوری که بودجه های تحقیقاتی در اکثر این کشور ها و همچنین در ایران، کم تر از یک درصد کل تولید ناخالص داخلی می باشد، چرا که حمایت از

تولیدکننده به صورت خودکار بر روی مصرف کننده اثر می گذارد؛ یعنی اگر از تولید کننده حمایت شود قطعاً مصرف کننده نیز از این حمایت منتفع می شود. بنابراین اکثر کشور هایی که حمایت جامع و کاملی از بخش کشاورزی داشته اند، سرمایه گذاری های بسیار عظیمی در زمینه تحقیقات انجام داده اند. سرمایه گذاری بر روی تحقیقات برعهده دولت است. این سرمایه گذاری تا جایی می تواند ادامه داشته باشد که به رشد قابل قبولی در تولید ناخالص داخلی دست یافت، از این مرحله به بعد می توان به تدریج، تحقیقات را به بخش خصوصی واگذار کرد، اما در مراحل اولیه، انجام این کار بر عهده ی دولت است. تحقیقات تنها بر روی ارقام محصولات زراعی صورت نمی گیرد، بلکه در بخش های متعددی همچون روش های آبیاری، مبارزه با آفات و بیماری ها، ماشین آلات، نحوه فعالیت زراعی و غیره نیز انجام می شود. چنانچه انجام تحقیقات در کنار سیاست های حمایتی قیمتی قرار گیرد، باعث افزایش درآمد، افزایش بهره وری، کاهش هزینه های تولید، افزایش کیفیت محصول و به دنبال آن منتفع شدن مصرف کننده خواهد شد. بنابراین تحقیقات نقش مهمی در بخش کشاورزی دارد. در اکثر کشور های دنیا مانند مالزی، چین و غیره راهکار برون رفت از دوره توسعه نیافتگی بخش کشاورزی، هدایت حجم انبوهی از اعتبارات دولتی به سمت تحقیقات کشاورزی بوده است. در حال حاضر، کشورهای توسعه یافته به جایی رسیده اند که تحقیقات آن ها خصوصی شده است. چراکه در ابتدای مراحل توسعه، حجم زیادی از اعتبارات خود را به تحقیقات اختصاص داده بودند. سیاست حمایتی غیرقیمتی دیگر، ترویج است که پس از تحقیقات مطرح می شود، چراکه تحقیقات به هر میزان که خوب انجام گرفته باشد، چنان چه با یک زبان ساده و در یک سطح گسترده به تولید کنندگان بخش کشاورزی منتقل و ترویج نشود، کارایی و اثر مورد انتظار را نخواهد داشت. به بیان دیگر افزایش بهره وری و به دنبال آن افزایش حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان و افزایش رفاه اقتصادی را در پی نخواهد داشت.

۲-۱ سیاست های حمایتی قیمتی

تولیدکنندگان بخش کشاورزی با ریسک های مختلفی مواجه هستند . گروهی از این ریسک ها، ریسک های تولیدی هستند که بر روی تولید یا عملکرد تولیدکننده تأثیر می گذارند؛ از جمله ی این ریسک ها می توان به تغییرات آب و هوایی، بیماری ها، آفات و غیره اشاره کرد. گروه دوم از ریسک ها که اصطلاحاً به آن ها ریسک های قیمتی گفته می شود، بر روی قیمت دریافتی تولیدکننده یا قیمت پرداختی برای نهاده اش تأثیر می گذارد، و در نتیجه در قیمت ها ایجاد نوسان می کند . به گروه سوم از ریسک ها، ریسک های سیاست گذاری یا نهادی گفته می شود. تولیدکنندگان همواره با این گروه از ریسک ها مواجه هستند ؛ به طور مثال سیاست های دولت در رابطه با حمایت از تولیدکنندگان به طور ناگهانی تغییر، وضع یا حذف می شود. گروه چهارم از ریسک ها که اصطلاحاً به آنها ریسک های بازار گفته می شود، ناشی از شرایط بازار

محصولات کشاورزی و کاستی زیرساخت های بازار است. گروه پنجم از ریسک هایی که دولت باید تدابیر لازم را برای مواجهه با آن ها بیاندیشد، ریسک های سلامت یا بهداشت است. در این جا منظور بهداشت و سلامت مصرف کننده نیست بلکه بهداشت و سلامت خود تولید کننده است. چرا که تولیدکننده به عنوان یک انسان خود بخشی از عملیات تولید را انجام می دهد که در بسیاری از مواقع جانشینی ندارد. از زیر مجموعه سیاست های حمایتی قیمتی می توان به: سیاست خرید تضمینی، سیاست قیمت تضمینی، سیاست قیمت هدف، سیاست خرید اعتباری، سیاست پرداخت یارانه نهاده ها، جایزه صادراتی، صندوق تثبیت قیمت، سیاست ذخیره احتیاطی و اختیار فروش توسط دولت را نام برد.

خرید اعتباری و آثار آن بر روی بخش کشاورزی

کمبود سرمایه در بخش کشاورزی که ناشی از پایین بودن سطح درآمد و در نتیجه ناچیز بودن میزان پس انداز خانوارها می باشد یکی از مشکلات توسعه بخش کشاورزی است. این وضعیت علاوه بر اینکه امکان افزایش ظرفیت بخش های تولیدی و بکارگیری فن آوری های نوین را در فرآیند تولید در این مناطق با محدودیت مواجه ساخته است، موجب بروز مشکلات اجتماعی چون مهاجرت روستائیان به شهرها، بیکاری پنهان و آشکار و کاهش سطح زندگی خانوارها شده است. از این رو انتظار می رود که تسهیلات اعتباری مؤسسات رسمی، وسیله مناسبی برای روند انتقال و تسریع در امر توسعه کشاورزی باشد. در راستای طرح خودکفائی کودهای کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی و با پیگیری مدیرعامل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی به منظور تامین به موقع منابع مالی لازم برای تهیه و تدارک کود و سموم شیمیایی مورد نیاز محصولات استراتژیک کشاورزی، کشاورز کارت را با هدف خرید نهاده مورد نیاز بهره برداران و کشاورزان سراسر کشور از طریق بانک کشاورزی با اعتباری بالغ بر بیست هزار میلیارد ریال تسهیلات از محل منابع داخلی بانک کشاورزی و در قالب کارت هایی تا سقف ۲۰۰ میلیون ریال در اختیار کشاورزان قرار می گیرد. این کارت صرفاً برای خرید کود و سم مورد نیاز کشاورزان تعریف شده و قابلیت استفاده در بیش از ۳۵۰۰ پایانه فروش کارگزاران توزیع نهاده های کشاورزی شرکت خدمات حمایتی کشاورزی را دارد. کارمزد این تسهیلات ۱۲ درصد در سال است و چک های برگشتی و بدهی سررسیده احتمالی کشاورزان مانع از صدور و اعطای کشاورز کارت نخواهد شد. امید است کشاورزان با این کارت بتوانند کود های شیمیایی مورد نیاز خود را به موقع تامین کنند. با توجه به نقشی که سرمایه در ترکیب عوامل تولید در فرآیند تولید دارد، این حرکت می تواند باعث افزایش کارایی نهاده در امر کشاورزی گردد و به عنوان عامل اساسی در مدرنیزه کردن و تطابق با فناوری نوین مورد استفاده قرار گیرد. همواره کارشناسان بر ارائه خدمات حمایتی مناسب توأم با اعتبارات کشاورزی به عنوان عوامل تقویت کننده جریان توسعه کشاورزی، تأکید می کنند. اعتبارات موجبات افزایش بهره وری عوامل تولید، رفع کمبودهای هزینه ای کشاورزان برای

پذیرش و بکارگیری فن آوری های نوین، بهبود وضعیت تولیدی و افزایش درآمد کشاورزان را فراهم می آورد. در کشور ما علی رغم تأمین اعتبار از سوی دولت برای پرداخت تسهیلات به بخش کشاورزی، دسترسی کشاورزان به اعتبارات بانکی محدود بوده و کشاورزان خرده پا اغلب از این تسهیلات کم بهره اند. در نتیجه برای افزایش جذب اعتبارات بانکی به بخش کشاورزی، باید راهکارهایی را جستجو نمود تا دسترسی کشاورزان به اعتبارات افزایش یابد.

منابع :

۱- عبداللهی ، م . سرمایه گذاری و چالشهای بازار مالی در بخش کشاورزی. ۱۳۸۵.